

ونحوه إلى حنك المولود، وهو أعلى داخل الفم<sup>(١)</sup>.  
وقيل: يكفي ذلك بكل من الحنكين؛  
للعوم، وإن كان المتبادر من ذلك، الأعلى منهما<sup>(٢)</sup>.

### الأحكام:

استحباب تحنك المولود:

من سنن الولادة تحنك المولود، وقد حنك  
النبي ﷺ الحسن والحسين ﷺ عند ولادتهما  
بالتمر<sup>(٣)</sup>.

ما يستحب التحنك به:

ذكرت الروايات بعض الأشياء التي يستحب  
تحنك المولود بها، وهي:

١ - تربة الإمام الحسين ﷺ:

ويدل على ذلك:

- ما رواه الحسين بن أبي العلاء، قال:  
«سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: حنكوا أولادكم بتربة  
الحسين ﷺ، فإنها أمان»<sup>(٤)</sup>.

(١) انظر: المسالك ٨: ٣٩٥، والحدائق ٢٥: ٣٨،

والجواهر ٣١: ٢٥٣.

(٢) انظر كشف اللثام ٧: ٥٢٦.

(٣) انظر الوسائل ٢١: ٤٠٧، الباب ٣٦ من أبواب أحكام

الأولاد، الحديث الأول.

(٤) الوسائل ١٤: ٥٢٤، الباب ٧٠ من أبواب المزار،

الحديث ٨.

الأدلة بروز هذه الأمور إلى الخارج من غير اعتبار  
لها...

نعم تعتبر النية في حصول الثواب كما في  
غيرها من الأفعال التي هي كذلك...<sup>(١)</sup>

ومثله قال الشيخ الأنصاري<sup>(٢)</sup>.

بل ترقى الأردبيلي وقال ببراءة الذمة  
وحصول الثواب لو أتى بالفعل على ما هو المطلوب  
شرعاً، وإن لم يأت به مع النية<sup>(٣)</sup>.

### مظان البحث:

كل الأبحاث المتقدمة يذكرها الفقهاء عند  
الكلام عن تجهيز الميت أي بعد الفراغ من التغسيل  
وعند الكلام عن التكفين.

### تحنك

لغة:

مضغ شيء من التمر ونحوه وذلك حنك  
الصبي به<sup>(٤)</sup>.

### اصطلاحاً:

هو المعنى اللغوي، أي إدخال شيء من التمر

(١) الجواهر ٤: ١٥٩.

(٢) الطهارة (للشيخ الأنصاري) ٤: ٢٩٧ - ٢٩٨.

(٣) انظر مجمع الفائدة ١: ١٩٦.

(٤) انظر: الصحاح، والمصباح المنير: «حنك».

TAHNİK

~~11/11/81~~

"Buhârî" poşetinde,  
Muhammed Necib el-Muti<sup>c</sup>'in  
Mecelletür-İzker, sy 4, s. 424-431  
1975

Bu da gönderilsin.  
MYK

X

121 GIL'ADI, A. Some notes on *tahnîk* in medieval  
TAHNİK Islam. Journal of Near Eastern Studies, 47  
(1988) pp.175-179

17 MAYIS 1993

10 MAYIS 2002

تحنيك: Tahnik

- ١ - تحنيك المولود: كان التحنيك من عادة العرب، وذلك بطلي حنك المولود حين يولد، بشيء حلو كالتمر الممضوغ والعسل ونحو ذلك، وقد (كان رسول الله ﷺ يؤتى بالصبيان فيبرك عليهم ويحنكهم)<sup>(١)</sup> ويظهر لي أن التحنيك سنة من سنن العادات، وليس من سنن العبادات.
- ٢ - تحنيك العمامة: تحنيك العمامة هو إدارة جزء من العمامة من تحت الحنك، وتحنيك العمامة ليس بسنة، وإنما هو مباح.
- ٣ - تحنيك الميت: يستحب تحنيك الميت بإدارة خرقة من تحت حنكه وربطها عند أعلى رأسه، لثلا يفتح فمه.

(١) مسلم في الأدب باب تحنيك المولود عند ولادته.

عَلَى الرَّسُولِ



Arandı  
Abdülcelil

# التَّبَرُّكُ

تَبَرُّكُ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ  
بِأَثَارِ النَّبِيِّ (ص) وَالصَّالِحِينَ  
هَلْ هُوَ شَرِكٌ فِي الدِّينِ ؟ أَوْ دَلِيلٌ لِمَيَّانٍ وَيَقِينٍ ؟..

Türkiy Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi Şifhesi	
Sayı :	13523
Tashif No. :	2974 A.H.M.T

المسار الإسلامي

١٩٨٣-١٤٠٣

Tahrir (13rd)

(13-57)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

3.0 CYLCL 1992

تبرك الصحابة بآثار الرسول صلى الله عليه وآله

تبركهم في تحنيك الأطفال

التأمل التام في عمل الصحابة رضي الله عنهم يمثل لنا عقيدتهم في النبي صلى الله عليه وآله وفي آثاره كما أن كتب التاريخ والسيره والحديث تمثل لنا كيف كانوا يعاشرون الرسول صلى الله عليه وآله ويقدمونه ويتبركون به في كل شأنه إذ من المسلم المقطوع به من أفعال الصحابة الكاشفة عن عقيدتهم في الرسول أن كل مولود يولد لهم - منذ قدومه صلى الله عليه وآله المدينة الطيبة - كانوا يأتون به إليه فيحنكه ويمسح رأسه ويتقل في فيه ويباركه . . يرون أنه بذلك قد أصبح مباركاً وكانوا يتباهون بذلك ويفتخرون به .

هذا ابن حجر في الإصابة ج ١ ص ٥ يحكم بأن كل مولود ولد في حياته صلى الله عليه وآله رآه وذلك لتوفر دواعي إحضار الأنصار أولادهم إلى النبي صلى الله عليه وآله للتحنيك والتبرك ونقل ذلك جم غفير من أعلام السنة والحديث والتاريخ بل أنه لما افتتح مكة جعل أهل مكة

و تمام آیه دارای سیاق واحدی است و نمی شود در این بین جمله: «ولایاب الشهداء» را از سیاق عمومی آیه استثناء کرد و از آن حکم و جوب استنباط نمود، و آنچه که استنباط کراهت را از آیه تأیید می کند امور ذیل است: (۱) جمله «ولایاب کاتب» و از آن روشنتر جمله: «ولایتشأموا» که در این آیه ذکر شده اند، ظهور در جوب ندارند و در نتیجه نمی توان گفت که جمله ولایاب الشهداء که در سیاق آنها و در کنار آنها آورده شده است ظهور در جوب دارد؛ (۲) روشن است که کلمه «لا یتبغی» (سزاوار نیست) که در اکثر روایات مربوط به این مسئله ذکر شده است ظهور در جوب ندارد؛ (۳) وعد و وعیدهای شدیدی که در مورد کتمان شهادت و اداء نکردن آن در روایات ذکر شده است، در مورد عدم تحمل شهادت ذکر نشده است و اگر تحمل شهادت مانند اداء شهادت، واجب می بود، لازم بود که در مورد آن نیز وعد و وعیدهای شدیدی در روایات ذکر می شد (و نیز ← شهادت).

منابع: جواهر، ۱۸۳-۱۸۰/۴۱؛ شرایع، ۱۳۷/۴-۱۳۸؛ قواعد، ۲۴۰/۲؛ مسبو، شیخ طوسی، ۱۸۶/۸. صالحی کرمانی

**تحمید**، در لغت به معنی حمد و ثنای فراوان گفتن و در اصطلاح شرعی نیز در همین مورد استفاده شده است بنا به دلالت آیات قرآن و روایات امامان معصوم (ع)، حمد و سپاس و ثنای پروردگار از مهمترین وظایف یک بنده مسلمان در برابر نعمتهای فراوانی است که خداوند به او موهبت کرده است، از این رو از هنگامی که کودک به دنیا می آید تا لحظه مرگ و قرار دادن در گور همواره بر زبان و گوش او حمد و سپاس فراوان خداوند باید جاری باشد. هنگامی که کودک به دنیا می آید مستحب است اولیای او در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گویند، یعنی نخستین کلماتی که در گوش این نوزاد فرو می رود همانا حمد و تکبیر و شهادت بر بزرگی و یگانگی پروردگار است. سپس این شکر گزاری و تحمید در دیگر مراحل زندگی انسان ادامه دارد، هنگام نمازهای پنج گانه، هنگام حج، هنگام غذا خوردن، هنگام ازدواج، هنگام خرید و فروش، هنگام جهاد و... حتی هنگام مرگ و احتضار و خروج روح و پس از آن هم هنگام دفن باید در گوش مرده معتقدات دینی او را مجدداً برایش بازگو (تلقین) کرد. علاوه بر اینها مستجاباتی که بر انجام آن تأکید فراوان شده و همواره عارفان و سالکان و مؤمنان بدان پایبندند همانا جاری نمودن حمد و ثنای خداوند بر زبان و قلب در همه حال است. مواردی که در فقه امامیه تحمید مطرح شده است عبارتند از: (۱) تحمیدهای روزانه: بنا به دلالت روایات مستحب است هر مسلمان در هر بامداد و هر شامگاه سی و شش مرتبه تحمید نماید و در بعضی دیگر آمده است که مستحب است مسلمان در هر بامداد و شام چهار مرتبه «الحمد

لله رب العالمین» گوید؛ (۲) تحمید هنگام درازی و مکنث: مستحب است شخص متمکن و ثروت دار همواره تحمید خدا را بنماید؛ (۳) تحمید در نماز: مستحب است نمازگزار در آغاز هر نماز واجب و پس از تکبیرة الاحرام هفت مرتبه تحمید گوید. و پس از ختم نماز نیز مستحب است سی و سه مرتبه در ضمن تسبیحات حضرت زهرا (ع) تحمید خداوند را بگوید؛ (۴) تحمید در نماز جمعه: مستحب است امام جمعه پیش از خواندن نماز جمعه خطبه خود را با حمد و ثنای پروردگار آغاز نماید؛ (۵) تحمید در نماز عید: مستحب است امام جماعت پیش از اقامه نماز عید و بعد از آن تحمید فراوان گوید؛ (۶) تحمید در وضو: مستحب است هنگام وضو گرفتن شخص حمد و ثنای خدا را بنماید؛ (۷) تحمید هنگام ادرار: بنا به دلالت روایات حمد و ثنای خدا هنگامی که انسان در آب ریزگاه می باشد مانعی نداشته و کراهت ندارد؛ (۸) تحمید هنگام عقد نکاح: مستحب است کسی که صیغه عقد نکاح را جاری می کند نخست حمد خدا و ثنای او را نماید و سپس خطبه عقد را آغاز نماید؛ (۹) تحمید عطسه کننده: مستحب است کسی که عطسه می کند پس از آن تحمید خدا را نموده و بگوید (الحمد لله رب العالمین)؛ (۱۰) تحمید هنگام خوردن: مستحب است پیش از آغاز به خوردن و در میان غذا خوردن و پس از فراغت از خوردن خداوند را حمد و ثنا گوید؛ (۱۱) تحمید هنگام مرگ پدر و دیگر عزیزان: مستحب است فرزندان پس از مرگ پدرشان و دیگران در مرگ عزیزانشان حمد و ثنای خدا را گویند و بدین وسیله رضایت خود را از رضا و قدر او ابراز دارند.

منابع: وسائل الشیعه، ۱۷۱/۱۷ به بعد (و مجلدات و صفحات دیگر).

محمد رضا انصاری

**تحنیک**، حنک در لغت به معنای سقف دهان انسان است، و تحنیک اصطلاحی است در احادیث امامیه به معنی: (۱) تحنیک کام کودک، مستحب است پس از بدنیا آمدن کودک کام دهان او را با آب رودخانه فرات یا مطلق آب شیرین یا مقداری خرما، مرطوب نمود. بنابر روایات امامیه تحنیک سنتی است که پیامبر (ص) آن را قرار داده و خود آن حضرت هنگام تولد امام حسن و حسین (ع) کام دهان آن دو را با خرما شیرین نموده است، از این رو همواره شیعیان از این سنت پیروی نموده اند. در برخی روایات آمده است که مستحب است علاوه بر آن چند چیز، بر کام دهان کودک تربت کربلا قرار داد؛ (۲) تحنیک عمامه: یکی از سنتهای پیامبر (ص) و امامان (ع) که عمامه خود را تحنیک می کرده اند یعنی قسمتی از پارچه عمامه را باز نموده و دور گردن پیچانده سپس آن را بر روی کتف یا پایین تر از آن می انداخته اند. این سنت در نماز جماعت تأکید بیشتری و بخصوص برای امام جماعت دارد.